

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

خوب راجع به روایات باب مضاربه بحث شد انما الکلام می رسد به مقام دلالت که آیا بر مسالهی فضولی دلالت می کند یا به قول مرحوم شیخ بالاخر اگر دلالت نکرد تایید می کند یا نمی کند ، این بحث را ما به ذهنمان آمد که حالا مادام که داریم در حدیث بحث می کنیم مجموعه ی احادیثی را که مرحوم شیخ گفتند بیاوریم بعد یکی یکی بحث های فقهی اش را بگذاریم بعد حالا که دنبال حدیث افتادیم کار به نحو حدیثی انجام بگیرد .

این باب یک باب مضاربه که چند تا حدیثش را خواندیم گفتیم بقیه اش را نمی خوانیم این حدیث یازده همین باب اگر جسارت نیست بیاورید از کتاب ابواب مضاربه ی مرحوم صاحب وسائل باب یک حدیث شماره ی ۱۱ آنجا هم یک نکته ای داشت دیدم که بهتر این است که آن نکته را هم متعرض بشویم .

یکی از حضار : عنه عن ابی جعفر

آیت الله مددی : عنه برمی گردد به ابن سماعه ، عرض کردم حسن بن محمد بن سماعه که یکی از فقهای بزرگ واقفیه است مرد ملایی هم هست انصافا لکن خیلی کان یعاند فی الوقف ، یعاند فی الوقف را معنا کردند گفتند کسانی بودند در واقفیه نسبت به ائمه ی متاخر بعد از حضرت موسی بن جعفر بلا نسبت اهانت می کردند ، یک عده ای بودند می گفتند نه می گفتند اینها مثلا مردمان خوبی هستند خیال می کنند که مثلا امام زنده است ، امام فوت کرده است ، حضرت رضا آدم خوبی است فقیه ، ملا همه ی جهات لکن اشتباه می کند می گوید پدرم فوت کرده است . یک عده این جوری به اصطلاح بودند یک عده نه بلا نسبت به قرینه ی مقابله معلوم می شود .

علی ای حال و روایات ایشان و حمید ، حمید که فکر می کنم اصلا در کتب صدوق نیامده باشد به ذهنم می آید در صدوق از حمید بن زیاد نقل نکرده باشد . روایات حمید ، حمید از ایشان زیاد نقل می کند ، این در کافی زیاد است . عرض کردیم مرحوم کلینی سفری به عراق داشته به کوفه ، کربلا و اینها داشته و به بغداد و از مشایخ آنجا هم نقل کرده اما نقلش کم است یکی از مشایخی که ایشان در ، چون حمید در خواب می بیند که در کربلا دفن می شود کوفه را ترک می کند می آید ساکن کربلا می شود تا در آنجا وفات کند و عرض کردیم کرارا مرارا

حمید آخرین شخصی است که ما از فقهای فطحیه می‌شناسیم. سیصد و ده بودند بعدش واقفیه معذرت می‌خواهم بعضی واقفی‌ها بودند اما به شخصیت حمید نیست.

آن وقت مرحوم شیخ طوسی این آثار را از کلینی نقل می‌کند آثار حمید، اضافی بر او خودش هم از آثار ابن سماعة نقل می‌کند آن استقصائی که ایشان فرمودند غیر از اینکه ایشان توسط کلینی از حمید از ابن سماعة نقل می‌کند، حسن بن محمد بن سماعة از ایشان نقل می‌کند مستقلا هم نقل می‌کند و لذا در کتاب شریف تهذیب در مشیخه می‌گوید وما کان عن نفس سماعة یک طریق دیگری می‌آورد که آثار ابن سماعة را نقل می‌کند.

به هر حال آثار ابن سماعة جزو آثار معروف واقفی‌هاست و انصافا مثل مرحوم شیخ صدوق احتراز داشتند از نقل آثار ایشان به هر حال یکی از آن روایاتی که ایشان مستقلا از کتاب ابن سماعة نقل می‌کند و از کافی نیست یکی این است و عنه ابن ضمیر برمی‌گردد به حسن بن محمد بن سماعة و عنه عن ابی جعفر فعلا نتوانستیم ابو جعفر را درست و دقیق تشخیص بدهیم چون به هر حال ابن سماعة میراثش میراث کوفی است یعنی حدیث کلا از میراث کوفی است، میراث واقفی‌ها، میراث کوفی واقفی‌ها جزو این جهت است. فعلا در این طبقه‌ای که استاد ایشان باشد ابو جعفر را فعلا من البته تحقیق و تتبع خاصی هم نکردم اما فعلا به نتیجه‌ای نرسیدیم.

وابی شعیب، ابی شعیب محاملی ثقه است ایشان محاملی بازاری بود که به اصطلاح منطقه‌ای بود که به اصطلاح محمل شتر و اینها درست می‌کردند ایشان منسوب به آنجاست یا کارش همین بوده کار شغلش ساختن محمل شتر بوده است. عن ابی شعیب بعد بفرمایید یکی از حضار: عن ابی جمیلة

آیت الله مددی: این ابی جمیلة ضعیف است این صاحب کتاب است لکن چون دو نفر از او نقل کردند شاید از این جهت به او اعتماد کردند مفضل بن صالح بفرمایید. حالا این ابو جمیلة غیر از حالا اینکه ظاهرا تضعیف شده توسط نجاشی غیر از آن جهت بیاع الجواری هم هست آن منخل بن جمیل است ببخشید با ایشان اشتباه شد. بفرمایید.

یکی از حضار: عن زید الشحام عن ابی عبدالله علیه السلام.

آیت الله مددی: پس این میراث جزو میراث خط غلو است اصلش یعنی ابو جمیلة باشد لکن واقفی‌ها شاید ابن سماعة روی این دو نفر به خاطر این که دو نفر نقل کردند اعتماد کرد اجمالا می‌شود تشخیص اجمالی داد چون خود ابو شعیب کتابش معروف بوده تا حدی احتمالا کتاب ابو شعیب باشد احتمالش هست ابو جمیلة هم باشد. بفرمایید.

یکی از حضار: استاد عناد در وقف که فرمودید به این معناست در کجا به این نحو معنا کردند که عناد در وقف یعنی دشمنی با آن نحو

با اهلیت است؟

آیت الله مددی: عرض کنم یک کتابی است منسوب به شیخ مفید به نظرم العیون والمحاسن یا الفصول المختارة، شیخ مفید در آنجا

دارد.

علی ای حال در آن جا این مطلب را نقل می کند نه عنوان عناد که اصولا واقفیه دو جور بودند و بعد هم نجاشی دارد که از قول کسی که می گوید مسجد کوفه بودم ابن سماعة هم بود یک نفر سنی آنجا بود ما نشسته بودیم گفت یک شخصی است در سامراء يعرف بابی الحسن علی بن محمد الهادی معلوم شد سنی بوده و این یک روزی ما نشسته بودیم و یکی از این سرلشکرها به حساب قائد عسکری رد می شد و کذا و حضرت فرمود این خیلی به خودش تکبر دارد این تا فردا عمرش بیشتر نیست آن وقت آن سنی می گوید ما گفتیم این علم غیب است چرا ادعای چنین چیزی می کند تصمیم گرفتیم که اگر این تا فردا نمرد آن ابوالحسن هادی را بکشیم و این را نجاشی نقل می کند بعد این صبح نمی دانم مست کرده بود و افتاد در چه چیزی چاه افتاد چه افتاد مرد به هر حال، بعد می گوید که یعنی یک سنی حالا خیلی عجیب است. بعد می گوید ابن سماعة بلند شد و انکار کرد و گفت این بیخود است یعنی ملتفت می شوید؟ این یعاند فی الوقف هم نجاشی برایش دلیل می آورد.

یکی از حضار: توهین هم کرد یا فقط؟

آیت الله مددی: نه انکار کرد و گفت این بیخودی است چون او را امام نمی دانست می گوید مدعی امامت است وقتی، دقت می کنید؟ آن هم حالا سنی نقل کند تعجب آور است خیلی باید آدم خاصی باشد کله شقه های خاصی دارد حالا تعبیر کله شق یک سنی دارد نقل می کند چیزی نیست که می گوید مع ذلک قبول نکرد گفت این حرف بیهوده و بیخودی است.

علی ای حال این نکته ای است که فرمودند شرحش اجمالا.

ابو شعیب یک نکته ای نمی دانم این قاموس الرجال یک وقتی در این برنامه ها نبود هست الان قاموس؟ در این برنامه های کامپیوتری

هست؟

یکی از حضار: بله.

آیت الله مددی: این جلد یازده ابو شعیب را بیاورید چون من می خواستم بیشتر این نکته را بگویم. جلد یازده ابو شعیب محاملی و ابو شعیب تنها. در جلد یازده ایشان در قاموس متعرض احوال ایشان شده است. چون یک نکته ای است لطیف است یک کمی توضیح بدهیم.

یکی از حضار: این ابی جعفر نرم افزار احتمال می دهد که ابو زائد باشد جعفر بن محمد سماعة باشد نظر شما احتمالا؟
آیت الله مددی: بعید است جعفر ابو جعفر باشد، یک جای دیگر دارند جعفر، چرا جعفر بن محمد، جعفر بن سماعة معلوم نیست برادرش باشد احتمالا عمویش باشد. آن هم یک بحثی دارد.

یکی از حضار: خود تهذیب جعفر دارد.

آیت الله مددی: اگر جعفر دارد همان عمویش جعفر بن سماعة است اگر جعفر دارد اما در وسائل ابو جعفر دارد نیست؟

یکی از حضار: در وسائل ابو جعفر است در تهذیب جعفر است.

آیت الله مددی: ها اگر جعفر باشد و لذا من یک سیری امروز در مشایخ ابن سماعة کردم نتوانستم یک ابو جعفری پیدا بکنیم که به او بچسبد، همین پس نسخه غلط است. جعفر باشد مشخص است ایشان از جعفر نقل می کند، جعفر بن سماعة عموی ایشان اما در جعفر بن سماعة بحث هست که برادرش یا عمویش دیگر حالا آن بحث رجالی است دیگر خودتان.

علی ای کیف ما کان این بد نیست آن هم قابل قبول است. ابی شعیب را بیاورید در کتاب قاموس.

یکی از حضار: ابو شعیب کناسی دارد و یا محاملی؟

آیت الله مددی: نه محاملی.

یکی از حضار: قال عده الشيخ فی رجاله فی اصحاب الکاظم علیه السلام قائلا ثقة وله فی الفهرسة و اینها بعد می گوید که

آیت الله مددی: نه فی الفهرست

یکی از حضار: له فی الفهرست الی ان قال عن العباس بن معروف عن ابی شعیب.

آیت الله مددی: این بدی قاموس چون، البته بدی اش نیست چون کتابش کتاب رجالی است اجازات را حذف می کند هم از کتاب نجاشی هم از کتاب شیخ این که قال عرض کردم در کتاب قاموس وقتی می گوید قال مرادش مرحوم آقای مامقانی است چون کتاب قاموس حاشیه بر تنقیح المقال مرحوم مامقانی است چون از وقتی که تنقیح المقال در حوزه پخش شد تا همین اواخر معجم آقای خوئی بیشتر کتاب رجالی معروف حوزه تنقیح بود همین که همه در درس ها و بحث ها نقل می کردند تنقیح بود آن وقت مرحوم آقای تستری به حساب

قاموس را نوشتند به عنوان انتقاد بر کتاب نقادی و حاشیه بر کتاب لذا حتی المقدور عبارات ایشان را اولاً نقل می‌کنند یا یک مقدارش بعد هم شروع می‌کنند به اشکال کردن. اشکال علمی کار خوبی است کار مشکلی نیست اما ایشان گاه گاهی تند تعبیر می‌کند می‌گوید هذا اشتباه فی اشتباه، اشتباه خیلی تعابیر تندی دارد.

به هر حال وارد این، خوب نیست از این جهتش انصافاً و اگر خود ایشان مستقلاً یک کتاب می‌نوشتند به نظر من بهتر بود اصلاً مستقلاً، چون مرحوم آقای تستری انصافاً با اینکه از حوزه دور بودند در شوشتر بودند اما تتبع ایشان خوب است، شرح نهج البلاغه دارند معلوم است البته تتبع به اندازه‌ی همین شهر دور افتاده از حوزه دیگر مصادر محدودی در اختیار ایشان بوده اما تتبع ایشان خوب است. بفرمایید، مطالب دیگری هم هست که اگر فرصت دیگری شد بعد نقل می‌کنیم.

یکی از حضار: نقداً همان نجاشی، قائلاً کوفی ثقة من رجال ابی الحسن موسی علیه السلام، وعنونه النجاشی فی الاسماء فی قوله صالح بن

آیت الله مددی: ببینید اولاً ایشان روایت فهرست را کامل نیاورده عباس بن معروف، عباس بن معروف از بزرگان قم است که مصادر اهل کوفه را به قم آورده است. عباس بن معروف، خوب این برای فقط آخر اجازه را نقل کرده است بعد می‌گوید و عنونه النجاشی بفرمایید یکی از حضار: بله قائلاً کوفی ثقة من رجال ابی الحسن موسی علیه السلام وعنونه النجاشی فی الاسماء فی قوله صالح بن حماد محاملی

آیت الله مددی: صالح بن خالد.

یکی از حضار: صالح بن خالد محاملی ابو شعیب کناسی مولی علی بن حکم بن زبیر مولی بنی اسد. اقول وان قال النجاشی له هنا آیت الله مددی: ببینید مرحوم نجاشی دو بار اسم ایشان را آورده است، من سابقاً عرض کردم در کتاب رجال شیخ طوسی تکرار خیلی زیاد است، افراد را به اسماء مختلف در رجال برقی تکرار خیلی کم است، البته این کتاب رجال نیست طبقات است یک شرحی دارد که حالا جایش این جا نیست اما در رجال شیخ طوسی تکرار خیلی زیاد است. در فهرست شیخ هم تکرار خیلی کم است چند مورد در فهرست نجاشی هم تکرار خیلی کم است. دارد تکرار دارد. اینجا شیخ تکرار ندارد، نجاشی تکرار دارد، یعنی نجاشی یک بار ایشان را در صالح بن خالد مطرح کرده است در اسماء چون اصطلاحاً می‌دانید کتب رجال این طوری است اولش اسماء است و آخرش کنی است بعد هم غالباً نساء، ترتیب کتب رجال این طوری است دوباره در کنی هم اسم ایشان را مطرح کرده است. دقت کردید؟

مرحوم تستری می خواهد اشکال بکند که چرا نجاشی دو بار مطرح کرده است این نکته ی فنی تمامش این است چرا یک جا در صالح بن خالد آن را آورده و یک جا هم در ابو شعیب محاملی اسم ایشان چرا تکرار کرده است . حالا بخوانید اقول این اقول اشکالات مرحوم قاموس است یعنی کلمات خود صاحب قاموس است مرحوم آقای تستری بفرماید .

یکی از حضار : وعنوان النجاشی له هنا غفلة عن عنوانه فی الاسماء

آیت الله مددی : دقت کردید چه شد ؟ حمله می کند به نجاشی که نجاشی ملتفت نشده غفلت کرده یادش رفته که در اسماء اسم این شخص را آورده .

یکی از حضار : ایس دعه العنوان فی البابین کما ان عنوان الشیخ فی الفهرست له هنا دلیل علی انه لم یفتن لاسمه .

آیت الله مددی : اما از آن طرف هم شیخ چرا در اسماء فقط در کنی آورده گفته ابو شعیب نگفته صالح بن خالد معلوم می شود شیخ ملتفت نبوده که این ابو شعیب همان صالح بن خالد است . دقت کردید ؟

البته مرحوم آقای تستری نکات لطیف دارد از این قبیل دارد اما خوب دیگر به هر حال اگر حوزه نبود من جور دیگر تصور می کنم . اولاً ایشان تصورشان رجالی است تصور فهرستی نیست ، دقت کنید این تکرار ما این متعارف است عرض کردم این فرض کنید در کتاب کلینی می گوئیم احمد بن ادریس عن فلان مثلاً محمد بن ، می گوئیم ابو علی اشعری عن محمد بن ، بعد می گویند احمد بن ادریس و ابو علی اشعری واحد خوب این هست دیگر یک شخص با دو عنوان هست با کنی هست با اسم هست تصادفاً در کتب اربعه این حسن به سماعة، ابن سماعة هم از صالح بن خالد حدیث نقل می کند هم ابی شعیب ، از هر دو یعنی هم با کنیه ی ایشان هم با اسم ایشان از هر دو نقل می کند .

آن وقت این یک نکته ای را که ما هدفمان اساسی این است تکرار اسم و اتحاد اسم در رجال یک خصلت رجالی دارد یعنی نکته ی رجالی است که اینها متحدند یکی هستند یا دو تا هستند و این اصلش آن است طبعاً یک فواید جنبی هم دارد مثلاً چرا یک جا گفت ابو علی اشعری یک جا گفت مثلاً احمد بن ادریس ممکن است اینجا از کتاب صفوان باشد این جا از کتاب مثلاً محمد بن عبد الجبار ، دقت می کنید این جنبه های ثانوی قصه است .

مثلاً همین ابن سماعة خیلی زیاد این واقفی معروف از محمد بن زیاد نقل می کند به نظرم آقای خوئی نوشتند ۶۵ مورد ، عرض کردم تعداد ارقامی را که آقای خوئی می نویسند خیلی دقیق نیست مکررات را حساب نکردند این کتاب ایشان حالا در این برنامه های حدیثی به نظرم دقت بیشتری شده است ، نیست ؟ برنامه های کامپیوتری در عدد احادیث ، غرض عدد احادیثی که در معجم آمده خیلی قابل اعتماد

نیست . و سرش هم این است که تکرار دارد دیگر ایشان مثلا تهذیب و استبصار را یکی گرفته اما در کافی با تهذیب دو تا گرفته با اینکه حدیث یکی است ، حدیث واحد این کار را ایشان دارد یعنی این عدد دقیق نیست به این معنا مکررات را حساب نکرده مثلا کافی را گرفته تهذیب را هم گرفته حالا حدیث واحد هم از یک متنی از یک سند در دو تا این را دو تا زده دو رقم حساب کرده در صورتی که یکی است دو تا نیست .

علی ای حال غیر از این عدد ۶۵ که الان در کتاب مرحوم استاد آمده که به هر حال حدودش زیاد است من زیاد دیدم ، خوب از آن طرف هم از ابن ابی عمیر نقل می کند ، محمد بن زیاد همان ابن ابی عمیر است . یعنی بعبارة اخری پدر ایشان ابو عمیر اسمش زیاد است ، اسمش زیاد است کنیه اش ابو عمیر است . محمد بن ابی عمیر ، محمد بن زیاد من دیدم چون چاپ شده آقایانی که حالا خواستند بحث رجالی کنند خصوصا همین سندهایی که درش محمد بن زیاد است گفتند محمد بن زیاد مجهول ملتفت نشدند که ایشان از اجلاء طائفه است .

حالا به هر حال آن وقت اینها نکات ثانوی هم دارد ، مثلا آیا واقعا چون ایشان واقفی بوده می خواسته اسم ابن ابی عمیر را نبرد چون ابن ابی عمیر به این اسم بین شیعه خیلی معروف است در کتب ما غالبا مثلا احمد بن محمد بن عیسی و حسین بن سعید از ابن ابی عمیر در بین شیعه بیشتر به اسم ابن ابی عمیر معروف است نکته اش این بوده نکته ی دیگری بوده ما این ها را الان نمی دانیم خوب دقت کنید ، نکات ثانوی وثالثی و رابعی را فعلا نمی دانیم .

چرا این واقفی بیشتر شاید چهار پنج تا روایت باشد ابن ابی عمیر بیشترین روایت ایشان محمد بن زیاد است دقت کردید ؟ پس تکرار در کتب رجال و اسانید وجود دارد و این تکرار نکته ی اولش خوب می گویند یکی است این نکته ی اولش اما نکته ی ثانوی که چرا این تعبیر کرده چرا آن تعبیر کرده این ممکن است مثلا همین روایت دیروز که از احمد بن محمد خواندیم در یک جا آمده احمد بن محمد بن عیسی یک جا آمده احمد بن محمد این دو تا یکی هستند . شاید نکته اش اختلاف مصدر باشد این ها نکات ثانویه است دقت می کنید که دیروز توضیح دادیم .

اما در فهرس خوب دقت کنید اگر تکرار در فهرس شد این نکته اش نیست ، مرحوم آقای تستری رجالی غفلت هم نیست اشتباه هم نیست نه غفلت است نه سهو است نه اشتباه است ایشان چون آشنا نبودند با بحث های فهرستی در باب کتب فهرس وقتی اسمی برده می شود خوب دقت کنید به حسب آن اجازه ای که داده شده حساب می کنند .

مثلا مرحوم شیخ کتابی که در نزدش بوده اجازه ای که داشته کتاب ابی شعیب המחاملی ، اما نسخه ای نداشته درش باشد کتاب صالح بن خالد ، دقت کردید ؟ ملتفت شدید ؟ لذا ایشان در فهرست اسم کتاب را به همان عنوانی که در اجازه است نمی دانم نکته ی فنی دقت کردید این که ایشان می گوید غفلت نه غفلت نیست ، شان شیخ اجل است . حالا خود نجاشی را بخوانید تا معلوم بشود . نجاشی هم در صالح بن یعنی در حقیقت نجاشی دو اجازه داشته در یکی اش صالح بن خالد بود در یکی ابی شعیب بوده است . سهو هم نکرده اشتباه هم نکرده حالا صالح بن خالد را بخوانید در کتاب نجاشی ، این ظرافت ها را نمی دانم اصلا چون اینها روی فهرس و اجازات کار نکردن این نکاتی را که در بین طائفه کاملا موثر بوده بحث های فهرستی در بین شیعه کاملا موثر بوده عبارت نجاشی را بخوانید صالح بن خالد .

یکی از حضار : صالح بن خالد محاملی ابو شعیب کناسی

آیت الله مددی : ببینید صالح بن خالد محاملی ، ابو شعیب کناسی . همین که این دیده ابو شعیب کناسی احتمال داده این غیر از ابو شعیب محاملی باشد .

یکی از حضار : نجاشی احتمال داده ؟

آیت الله مددی : بله . چون در چیز ابو شعیب המחاملی . نمی دانم دقت می کنید ؟

یکی از حضار : بعد آن جای دیگر ابو شعیب محاملی نوشته نجاشی .

آیت الله مددی : در کنی دارد ، خیلی ظریف است انصافا این نیست که آقای شیخ محمد تقی من خدای نکرده اهانت به ایشان نشود ها مرد بسیار بزرگواری است خیلی زحمت کشیده است انصافا به لحاظ تقوا هنوز هم می گویند در آن مناطق به سر ایشان قسم می خورند واقعا مرد فوق العاده ای است در زهد و ورع و تقوا و زحماتی که کشیدند دقت کردید چه شد چقدر دقیق است ؟

یعنی نجاشی در اجازه ای که داشته در یکی داشته صالح بن خالد ابو شعیب الکناسی ، در یکی داشته کتاب ابو شعیب המחاملی ببینید شیخ هم فقط کتاب ابی شعیب ، اجازه اش ابی شعیب המחاملی بوده است .

یکی از حضار : الان شیخ هم اجازه داشته

آیت الله مددی : بله خوب اجازه داشتند . الان می خوانیم دقت می کنید .

این نشان می دهد که واقعا دقت عجیبی را ، من همیشه عرض می کنم مرحوم نجاشی ظرافت های عجیبی دارد واقعا اگر این مطالبی که به ذهن این حقیر رسیده راست باشد خوب خیلی دقت است دیگر انصافا حالا بخوانید ابو شعیب الکناسی بفرماید .

یکی از حضار: ابو شعیب الکناسی مولی علی بن حکم بن زبیر مولی بنی اسد روی عن ابی الحسن موسی علیه السلام له کتاب یروی عنه جماعة منهم عباس بن معروف اخبرنا عدة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن یحیی قال

آیت الله مددی: ایشان از طریق احمد بن محمد بن یحیی از چند تا از مشایخ بغداد نقل می کنند، چون عرض کردیم محمد بن یحیی که استاد کلینی است بسیار بزرگوار است پسر ایشان احمد توثیق ندارد آن در بحث اولی که آقایان تشریف داشتند عرض کردیم مرحوم شهید ثانی که توثیق مشایخ را مطرح کرد یکی اش همین بود هدف این بود چون این احمد پسر محمد بن یحیی در نجاشی هم هست در جای دیگری هم هست توثیق ندارد اما جزو شیوخ حدیث است لذا شهید ثانی گفت ایشان ثقة است آن نکته ای را که در درس اول آقایان تشریف داشتند ایشان از راه، یکی از راه هایی که نجاشی و شیخ به قم می روند همین احمد است.

یکی از حضار: ولد العالم بوده است دیگر.

آیت الله مددی: اها از باب ولد العالم نصف العالم.

یکی از حضار: کتاب های پدرش را آورده

آیت الله مددی: ای کاش کتاب های پدرش بوده کتاب های غیر از پدرش را هم آورده است. مشکل فقط

یکی از حضار: کتابخانه ی پدرش را آورده است.

آیت الله مددی: اها احتمالا کتابخانه ی پدرش بوده است.

یکی از حضار: وقتی بابا فوت می کند او هم می دهد مرجع بعدی دیگر

آیت الله مددی: بله، دقت کردید؟

پس حدیث را سند را اجازه را دقت فرمودید مرحوم نجاشی که بغدادی است از مشایخ بغداد و عرض کردیم این مشایخی که ایشان می گویند مثل مرحوم حسین بن عبید الله غضائری، ابن غضائری از مشایخ است اینها از احمد نقل می کنند. این راه اتصال نجاشی و شیخ به قم است، راه اتصال این ها به قم است، یعنی از بغداد رفتند به قم یعنی با اینکه ایشان کوفی است رفتند به قم عن احمد بن محمد بن یحیی بفرمایید.

یکی از حضار: قال حدثنا عبدالله بن جعفر

آیت الله مددی: ببینید این پدرش نیست، عبدالله بن جعفر حمیری، فرمودید آثار پدرش را نقل کرده آثار سعد را هم نقل می کند همان

حدیث رفع معروف را هم همین احمد از سعد نقل می کند، حدیث رفع ۹ تایی.

عرض کنم به این که احمد بن محمد بن یحیی از کتاب عبدالله بن جعفر حمیری که از مشایخ بسیار بزرگوار قم است بفرماید .

یکی از حضار: قال حدثنا احمد بن محمد بن عیسی

آیت الله مددی: که خوب دیگر این جلالتش ، ببینید سند همه قمی هستند ، بفرمایید .

یکی از حضار: قال حدثنا عباس بن معروف

آیت الله مددی: ایشان هم قمی است . ایشان راوی کوفه است . یعنی تاریخ کاملاً و نجاشی هم تأیید کرد که رواه جماعة منهم عباس

بن معروف یعنی اگر گفتیم این حدیث از کتاب ابو شعیب محاملی است بعید نیست روشن شد ؟ وقتی اجازه را نگاه می کنیم اولی و دومی

بغدادی هستند مشایخ ایشان در بغداد احمد و بعد عبدالله بن جعفر و احمد اشعری و عباس بن معروف همه قمی هستند ایشان به کوفه

رفته این کتاب را نقل کرده به عنوان کتاب صالح بن خالد ابو شعیب الكناسی ، حالا در خود ابو شعیب المحاملی در خود نجاشی بیاورید.

یکی از حضار: ابو شعیب المحاملی کوفی ثقة من رجال ابی الحسن موسی علیه السلام مولی علی بن حکم بن زبیر انباری له کتاب

اخبرنا حسین بن عبیدالله

آیت الله مددی: اینجا فقط خصوص حسین بن عبیدالله را نقل کرده است . آن جا گفت جماعة ، حسین بن عبید الله از ؟

یکی از حضار: حدثنا حسین بن علی بن سفیان

آیت الله مددی: این حسین بن علی بن سفیان از مشایخ بغداد است . بسیار جلیل القدر است به حساب معروف به بزوفری ، ایشان در

بغداد یک سفری احمد بن ادریس می آید حج از احمد بن ادریس نقل می کند و یاد می آید در فهرست شیخ نیست در فهرست نجاشی

هست یعنی یک چیز تصادفی است به اصطلاح دقت کردید آن جا دیدید مصدر را ؟

یکی از حضار: اصلاً دو تا مصدر است .

آیت الله مددی: لکن نجاشی نظرش این است که یکی هستند ، نظرش یکی است . لکن احتیاط کرده دو جا نقل کرده است . این

فایده‌ی درس امروز بود .

یکی از حضار: از کجا فهمیده است ؟

آیت الله مددی: آن جا هم گفته ابو شعیب کناسی صالح بن خالد ، بعد چه می گوید آقا بفرمایید ؟ بعد مولی علی بن الحکم ، روی

عن ابی الحسن واضح است یکی است اما احتیاط کرده دقت کردید چه شد ؟ ایشان می خواهد بگوید در یک اجازه‌ای که مشایخ بغداد

دادند صالح بن خالد اسمش آمده است لکن در اجازه‌ای که مرحوم ابن غضائری فقط به من داده است ، ابن غضائری به شیخ هم داده

آنجا ابو شعیب המחاملی ، شیخ هم فقط ابو شعیب המחاملی نقل کرده است . نمی دانم دقت کردید ؟

البته از این جور تکرارها در نجاشی هست اما کم است ها خیلی زیاد نیست . شاید ارزش داشت ما نیم ساعت صحبت کنیم ، برای

آشنایی با کار فهرستی که من عرض می کنم و دقت هایی که اصحاب ما یعنی واقعا چقدر خون دل خوردند و دقت و مراعات نکات کردند،

بله بفرمایید عن حسین بن علی بن سفیان

یکی از حضار: قال حدثنا احمد بن ادریس .

آیت الله مددی: ببینید احمد بن ادریس اصولا قمی است استاد کلینی است دیگر ایشان ، یک جای دیگر دارد که ایشان سفر حج بودند

حسین بن ، و الا حسین بن علی بن سفیان به قم نیامده است . در این سفری که ایشان آمده از راه بغداد برود به طرف حج ایشان از او اجازه

گرفته از اینجا وارد قم می شود آن جا عبدالله بن جعفر حمیری بود اینجا احمد بن ادریس ، بعد ؟

یکی از حضار: عن محمد بن عبدالجبار

آیت الله مددی: عوض شد کلا ، بعد ؟

یکی از حضار: عن عباس بن معروف .

آیت الله مددی: یعنی معلوم شد طرق همان عباس بن معروف نجاشی که له کتاب دقت کردید رسید به قم معلوم می شود کتاب در قم

كاملا معروف بوده و به اسم نسخه‌ی عباس بن معروف . طریق شیخ را هم بخوانید فهرست شیخ ، مرحوم شیخ طوسی از اول ابوالعباس .

یکی از حضار: ابو شعیب המחاملی له کتاب اخبرنا ابن ابی جید .

آیت الله مددی: ببینید رفت به ابن الولید ، چون ابن ابی جید بعدش ابن الولید است .

یکی از حضار: عن ابن الولید عن محمد بن حسن صفار

آیت الله مددی: ببینید صفار ، صفار فکر می کنم درش احمد افتاده باشد این سند یک کمی افتادگی دارد ، روشن شد آقا این ؟

سه تا اجازه است ، نمی دانم روشن شد ؟ سه تا اجازه مشایخ این چون این سنخ بحث تا حالا نشده چون من هم از مشایخ نجاشی جزو

کارهای ماست ، سه تا نکته است در کتاب ابن الولید ابی شعیب המחاملی بوده در نسخه‌ای که ابن غضائری اجازه دادند از احمد بن

ادریس آنجا هم ابی شعیب המחاملی بوده ، در آن نسخه‌ای که از طریق احمد رفته ، احمد بن محمد بن یحیی ، صالح بن خالد ابی شعیب

الکناسی بوده است . یا کناسی کناسه‌ی کوفه دیگر من خسته شدم . و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين